



Welfare of the Physically-Disabled Individuals in Quran Verses

ARTICLE INFO

Article Type

Analytic Review

Authors

Teymuri A.¹ MSc,
 Mohamadjafari R.*¹ PhD

How to cite this article

Teymuri A. Mohamadjafari R. Welfare of the Physically-Disabled Individuals in Quran Verses. Journal of Quran and Medicine. 2018;3(4): 189-192

ABSTRACT

Introduction The welfare of physically-disabled individuals has been paid attention to by God and pointed out in Quran verses. Quranic instructions have come up with some principles to provide suitable situation for their welfare. To reach this, others' duties like their family members and governmental organizations can be inferred in Quran verses; therefore, the aim of this study was to investigate the welfare for physically-disabled individuals from the perspective of Quran. In this review with the conceptual analysis and document analysis type, the verses concerning the welfare of physically-disabled individuals were first extracted; then, verses were categorized according to the objectives of the study, and the influence of Quran verses on the welfare of physically-disabled individuals was analyzed.

Conclusion Quranic verses paid close attention to physically-disabled individuals' social, materialistic, physical, mental, and spiritual welfare. Considering disability as a divine test leads to mental welfare of the physically-disabled individuals, and elimination of the need for Jihad leads to their physical welfare. Also, the presence of the physically-disabled individuals in the society is considered the solution given by God for their social welfare and financial support is a sign of Gods' attention to their materialistic needs. Respecting and honoring the physically-disabled individuals is also a sign of attention given by Quranic verses to their psychological welfare.

Keywords Disabled Persons; Welfare; Verses; Quran

¹Quran & Hadith Sciences Department, Humanities Faculty, Shahed University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Humanities Faculty, Shahed University, Opposite the Imam Khomeini Holy Shrine, Persian Gulf Highway (Tehran-Qom), Tehran, Iran. Postal Code: 3319118651
 Phone: +98 (21) 51212458
 Fax: -
 rasulmohamadjafari@yahoo.com

Article History

Received: August 26, 2018
 Accepted: October 28, 2018
 ePublished: December 20, 2018

CITATION LINKS

[1] The ideal commentary (Tafsir al-nemooneh) [2] Qomi commentary (Tafsir-e-Qomi) [3] The light commentary (Tafsir al-monir) [4] The guidance commentary (Tafsir-e-Hedayat) [5] The clear commentary (Tafsir al-mobin) [6] The surrounded sea in commentary (Al-Bahr al-mohit fi al-tafsir) [7] Lions of forest in recognition of fellows (Osd al-ghabah fi marefat al-sahabah) [8] People's attitudes towards disable persons [9] poverty and social exclusion [10] Moqatel ibn Soleiman commentary [11] Tanslation of balance commentary (Tafsir al-mizan)

بهبودی جسمی از منظر آیات قرآن

ابوالفضل تیموری MSc

گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

رسول محمدجعفری PhD*

گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: بهبودی جسمی مورد توجه خداوند بوده و در آیات قرآن بدان اشاره شده است. آموزه‌های قرآنی با ارایه راهکارهایی برای بهبودی جسمی، در پی فراهم آوردن بستری مناسب برای آسودگی زندگی آنان در بستر جامعه است. برای رسیدن به این مهم، وظایف دیگران اعم از خانواده کم‌توانان جسمی، جامعه و نهادهای حکومتی را نیز می‌توان از آیات قرآن برداشت نمود. لذا هدف این پژوهش، بررسی عوامل بهبودی جسمی از منظر آیات قرآن بود. در این پژوهش مروری از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسناد، ابتدا آیاتی که مربوط به موضوع بهبودی و به‌طور کلی سبک زندگی کم‌توانان جسمی بود، استخراج شد. سپس آیات با توجه به اهداف تحقیق دسته‌بندی شده، آنگاه به تحلیل و بررسی تاثیر آیات قرآن بر بهبودی جسمی پرداخته شد.

نتیجه‌گیری: در آیات قرآن به بهبودی روحی، روانی، جسمی، مادی و اجتماعی کم‌توانان جسمی توجه شده است. احتساب کم‌توانی به‌عنوان امتحان الهی، بهبودی روانی کم‌توانان و رفع وجوب جهاد از آنها بهبودی جسمی‌شان را در پی دارد. همچنین مکلف‌بودن کم‌توانان جسمی به حضور در اجتماع راهکار خداوند برای بهبودی اجتماعی آنها و سفارش به حمایت مالی از کم‌توانان نشانه توجه خدا به بهبودی مادی این گونه افراد است. توصیه به رعایت احترام و کرامت‌بخشیدن به کم‌توانان جسمی نیز نشان از توجه آیات قرآن به بهبودی روحی کم‌توانان جسمی دارد.

کلیدواژه‌ها: کم‌توانان جسمی، بهبودی، آیات، قرآن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۶

* نویسنده مسئول: rasulmohamadjafari@yahoo.com

مقدمه

قرآن، آخرین کتاب آسمانی است که دارای برنامه‌ای جامع برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها است. لازمه این ویژگی قرآن ارایه برنامه برای تمامی انسان‌ها با هر شرایط و در هر زمان و هر مکانی است. از این رو کم‌توانان جسمی - که یکی از اقشار نسبتاً مهجور در جوامع بشری هستند - مورد توجه آیات قرآن قرار گرفته و خداوند به‌اجمال رهنمودهایی درباره آنان داشته است و البته تفصیل آن را به روایات معصومان^(ع) واگذار کرده است. آموزه‌های قرآنی از سویی راه و روش بهترزیستن را به کم‌توانان نشان داده و از سویی دیگر، وظایف دیگران اعم از حکومت، جامعه و خانواده را در قبال آنان تبیین کرده است.

بهبودی کم‌توانان جسمی به سبب شرایط خاصی که دارند، مورد توجه قرآن بوده است تا این گونه افراد نیز مانند سایر افراد بتوانند در بستر جامعه از سبک زندگی مناسبی برخوردار باشند و به سبب مشکلاتی که دارند منزوی نشوند؛ لذا هدف این پژوهش، بررسی عوامل بهبودی کم‌توانان جسمی از منظر آیات قرآن بود.

در این پژوهش مروری از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسناد، ابتدا آیاتی که مربوط به موضوع بهبودی و به‌طور کلی سبک زندگی کم‌توانان جسمی بود، استخراج شد. سپس آیات با توجه به اهداف تحقیق دسته‌بندی شده، آنگاه به تحلیل و بررسی تاثیر آیات قرآن بر بهبودی کم‌توانان جسمی پرداخته شد.

آیات متعددی از قرآن از بهبودی کم‌توانان جسمی سخن به میان آورده‌اند که تحت عناوین زیر دسته‌بندی می‌شوند:

امتحان بر شمردن کم‌توانی

قرآن کریم ابتلای انسان‌ها به کم‌توانی جسمی را از جمله مصادیق

امتحانات الهی برمی‌شمارد. قرآن با امتحان قلمدادکردن مساله کم‌توانی، در صدد مخالفت با این دیدگاه عده‌ای از افراد و حتی برخی کم‌توانان است که کم‌توانی را نتیجه گناهان وی یا خانواده‌اش می‌دانند. طبق آیات قرآن، یکی از اموری که خداوند بندگان را با آن در بوته آزمایش می‌نهد، نقص و کاستی در جان‌ها است. در سوره بقره می‌خوانیم: "وَلَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ" (سوره بقره، آیه ۱۵۵)؛ "و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم".

بر طبق نص صریح آیه، نقص در جان که می‌تواند به اشکالی همچون معلولیت در بینایی، شنوایی، جسم یا ذهن افراد ظاهر شود، از بارزترین نمونه‌های امتحانات الهی بوده و برای آزمایش بندگان است. خداوند پس از امتحان دانستن این نقص‌ها و مشکلات جسمی راه حل موفقیت در این امتحانات را نیز بیان کرده است، چه این که بیان راهکار نیز به‌نوبه خود تاثیر بسزایی در بهبودی و آرامش روانی این گونه افراد دارد. در این آیات کریمه پس از بیان شیوه‌های گوناگون امتحانات الهی، با بشارت به صبرکنندگان که فرموده است: "وُ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ"، در واقع کم‌توانان جسمی را دعوت به صبر نموده و صبرکنندگان از میان آنان را پیروزشوندگان نهایی در امتحانات الهی معرفی می‌نماید. در واقع، صبر خردمندانه‌ترین شیوه برخورد با مشکلات و سختی‌ها است؛ چرا که در صورت عدم شکیبایی، علاوه بر این که شرایط تغییری نخواهد کرد، چه بسا سبب بزرگ‌تر شدن مشکلات و کم‌تر شدن تاب تحمل آن و نیز محروم شدن از پاداشی که خداوند برای صبرکنندگان در نظر گرفته است، شود. مکارم شیرازی در این خصوص می‌نویسد: رمز پیروزی در این راه، صبر و پایداری است و به همین دلیل بشارت پیروزی را تنها به صابران و افراد بااستقامت می‌دهد^[1].

لازم به ذکر است هر چند صبر خصلتی است که در هر حالی پسندیده است، اما زیبایی آن در کسانی که به مشکلات و سختی‌ها دچار هستند، نمایان‌تر است و شاید به همین علت است که خداوند حضرت ایوب^(ع) را به خاطر آن ستوده و فرموده است: "إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ" (سوره ص، آیه ۴۴)؛ "ما او را شکیبایافتیم. چه نیکو بنده‌ای!". چرا که حضرت ایوب^(ع) به بسیاری از مشکلات و مصائب از جمله بلایای جسمی گرفتار شد، اما صبر پیشه کرد و مورد ستایش خداوند قرار گرفت^[2]. کم‌توانان جسمی نیز می‌توانند با الگوگرفتن از این پیامبر الهی و آراسته‌کردن خود به صبر و شکیبایی مورد ستایش خداوند قرار گیرند.

رفع وجوب جهاد

از جمله موارد دیگری که ضمن آیات قرآن به موضوع بهبودی کم‌توانان جسمی اشاره دارد، مساله معاف شدن این دسته افراد از جهاد ظاهری است. بنا بر آیات قرآن، کم‌توانان جسمی به‌دلیل مشقت‌هایی که جهاد ظاهری برایشان دارد، از آن معاف هستند. در

آیه ۱۷ سوره فتح آمده است: "لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ"؛ "بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند]". مفسران در شأن نزول این آیه از قول ابن عباس آورده‌اند: هنگامی که آیه ۱۶ سوره فتح: "وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا"؛ "اگر - همچنان که پیش‌تر پشت کردید - باز هم [روی بگردانید، شما را به عذابی پردرد معذب می‌دارد" فرود آمد، گروهی از معلولان و بیماران خدمت رسول خدا^(ص) آمدند و گفتند: ای رسول خدا^(ص) تکلیف ما چیست؟ خداوند این آیه را نازل کرد^[3].

خان‌های خودتان بخورید، یا از خان‌های پدران‌تان یا خان‌های مادران‌تان یا خان‌های برادران‌تان یا خان‌های خواهران‌تان یا خان‌های عم‌های‌تان یا خان‌های دایی‌های‌تان یا خان‌های خاله‌های‌تان یا آن [خان‌هایی] که کلیدهایش را در اختیار دارید یا [خانه] دوستان. [همچنین] بر شما باکی نیست که با هم بخورید یا پراکنده". در سبب نزول این آیه وارد شده است: اهل مدینه پیش از آن که مسلمان شوند، افراد نابینا و لنگ و بیمار را از حضور بر سر سفره غذا منع می‌کردند و گروه انصاری که در میان آنان بودند، به جهت مراعات و بزرگداشت می‌گفتند: نابینا غذا را نمی‌بیند و لنگ عقب می‌ماند و بیمار مانند سالم غذا نمی‌خورد. پس به همین سبب غذای این گونه افراد را جدا می‌دادند و غذا خوردن با آنان را برای خود گناه می‌دانستند. نابینا و لنگ و بیمار نیز می‌گفتند شاید هم‌غذا شدن آنان با افراد سالم مایه ناراحتی دیگران شوند، لذا خود را کنار می‌کشیدند. هنگامی که پیامبر (ص) آمد این موضوع را از پیامبر سؤال کردند که آیه فوق نازل شد و گفت: هیچ مانعی ندارد که آنها با شما هم‌غذا شوند [2].

توصیه به حمایت مالی از کم‌توانان

رفع نیازهای مالی کم‌توانان جسمی، از دیگر مواردی است که قرآن در راستای بهزیستی آنان مورد توجه قرار داده است، چرا که تامین نیازهای مالی افراد کم‌توان موجب می‌شود که آنان از جامعه طرد نشوند و بتوانند بهتر زندگی کنند. برخی از مفسران، عده‌ای از کم‌توانان جسمی را از فقرا و مستمندان دانسته‌اند و آنان را مستحق اطعام و رسیدگی مالی برشمرده‌اند. *مقاتل بن سلیمان* در تفسیر آیه "أَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ" (سوره حجر، آیه ۲۸)؛ "به درمانده مستمند بخورانید"، واژه "بائس" را "الضریر الزمن" (نابینای زمینگیر) معنی کرده است [10].

کرامت‌بخشیدن به کم‌توانان

یکی از مولفه‌های مهم در ارتباط با کم‌توانان جسمی، احترام و عدم تحقیر آنان است. ارتباط جامعه با کم‌توانان جسمی باید ارتباطی احترام‌آمیز و به دور از هر گونه رفتار تحقیرآمیز و توهین‌گونه باشد که عدم این گونه رفتار، موجب خشم الهی و توبیخ خداوند است. علامه *طباطبایی* (ص) در تفسیر آیات ابتدایی سوره عبس که به ترش‌رویی کردن فردی از آمدن نابینایی به حضورشان اشاره دارد، گفته است: غرض سوره، عتاب هر کسی است که ثروتمندان را بر ضعفا و مساکین مومن مقدم می‌دارد، اهل دنیا را احترام می‌کند و اهل آخرت را خوار می‌شمارد. وی این گونه ادامه می‌دهد: در این که تعبیر اعمی (کور) آمده است توبیخ بیشتری وجود دارد. برای این که محتاجی که به انسان مراجعه می‌کند، اگر نابینا باشد و حاجتش هم حاجتی دینی باشد و ترس از خدا او را به این کار واداشته باشد، شایسته است بیش از سایر مراجعه‌کنندگان به او ترحم نمود و بیشتر به او روی آورده، مورد عطف قرارش داد، نه این که چهره در هم کشید و روی از او برتافت [11].

پرداختن به موضوع بهزیستی کم‌توانان جسمی در آیات قرآن، بیانگر توجه خاص خداوند به راهکارهای بهزیستی این گونه افراد است. خداوند به اقتضای آیات قرآن به برخی مسایل روحی، روانی، جسمی، مادی و اجتماعی کم‌توانان جسمی توجه داشته است. احتساب کم‌توانی به‌عنوان یکی از انواع امتحانات الهی به معنی توجه خداوند به سلامت روان کم‌توانان جسمی است که مبادا این

این از گشاده‌دستی اسلام و داشتن نظر متوازن به امور است، که در هنگام سخت‌گیری نسبت به موضوع جنگ و مبارزه، از بیان کردن عذرهای حقیقی که بازنشستگان از جنگ می‌توانند از آنها بهره‌مند شوند، غافل نمی‌ماند [4].

لازم به ذکر است رفع وجوب جهاد از این گونه افراد در مواقعی است که جهاد برای گسترش اسلام باشد. لذا در مواقعی که جهاد به‌منظور دفع دشمنان باشد بر همگان وجوب می‌یابد. مغنیه در تفسیر سودمندش نوشته است: هنگامی که منظور از جهاد، راندن دشمنان باشد، بر همه افراد سالم و غیرسالم - چه بزرگ باشند و چه کوچک، چه زن باشند و چه مرد - به مقدار توانشان واجب است [5].

نکته دیگری که در این بخش می‌توان به آن اشاره کرد این است که اگر کم‌توانان خودشان تمایل داشته باشند می‌توانند در جهاد شرکت نمایند و در این صورت پاداش آنان نسبت به دیگران دوچندان خواهد بود. در واقع می‌توان گفت هر چند دشواری جهاد از این گونه افراد رفع شده است، اما جایز است آنان هم در جهاد حضور یابند و پاداش آنان مضاعف است [6]. چنان که *ابن‌مکتوم* که نابینا بود در جنگ قادسیه شرکت کرده و پرچم را نگه می‌داشت [7].

این نکته را نیز نباید از نظر پنهان داشت که اگر چه کم‌توانان از شرکت در جهاد ظاهری معاف هستند، اما از خیرخواهی برای مسلمانان و نیز پیشبرد اهداف الهی در حد توان معاف نیستند. آنان اگرچه قادر نیستند با دست کاری انجام دهند، اما نباید از آنچه در توان دارند با زبان مضایقه نمایند. هر کس آنچه را در توان دارد نباید فروگذار کند، و به تعبیر دیگر اگر نمی‌توانند در جبهه شرکت کنند دست کم "پشت جبهه" را مستحکم نگاه بدارند [1].

تمام این آموزه‌های دینی در مجموع به بهزیستی افراد کم‌توان دلالت دارند که با کاربست این معارف می‌توانند از دوچندان شدن چالش‌هایی که به سبب نقص‌های جسمی دارند، جلوگیری کنند و از سبک زندگی شایسته خود برخوردار باشند.

مکلف‌کردن کم‌توانان به حضور در اجتماع

یکی از مسایلی که به بهزیستی کم‌توانان جسمی کمک شایانی می‌کند، حضور یافتن آنان در اجتماع است. حضور افراد معلول در جامعه و مشارکت آنان در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف، موجبات شناخت هر چه بیشتر آنان از سوی جامعه و احساس کارآمدی برای آنان را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، زمینه مساعد برای تغییر نگرش‌های منفی فراهم و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به افراد معلول مثبت‌تر، منطقی‌تر و واقع‌بینانه‌تر خواهد شد [8]. به‌علاوه حضور کم‌توانان جسمی در اجتماع، موجب رشد قابلیت‌های انسانی و اجتماعی در آنان می‌شود. با رشد قابلیت‌های انسانی در افراد معلول و برخورداری از فرصت‌های برابر در مقایسه با افراد غیرمعلول، شرایط امکان خروج از وضعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای آنان حاصل می‌شود [9]. این مهم، مورد توجه قرآن بوده و به آن تاکید کرده است. بنا بر آیات قرآن، کم‌توانان جسمی باید در تمام امور با مردم در ارتباط باشند و حتی برای امر ساده‌ای همچون غذا خوردن نیز نباید خود را از دیگران جدا کنند. در آیه ۶۱ سوره نور آمده است:

"لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرْيُضِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ أَيْمَانَهُمْ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً؛ "بر نابینا و لنگ و بیمار و بر شما ایرادی نیست که از

(نویسنده دوم)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)
منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- 1- Makarem Shirazi N. The ideal commentary (Tafsir al-nemooneh). 1st Volume. 1st Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiyeh; 1996. [Persian]
- 2- Ali ibn Ibrahim Qomi. Qomi commentary (Tafsir-e-Qomi). Musavi Jazayeri T, researcher. 2nd Volume. 3th Edition. Qom: Dar al- Ketab; 1984. [Arabic]
- 3- Vahab ibn Mostafa Zohaili. The light commentary (Tafsir al-monir). 26th Volume. 1st Edition. Damesqus: Dar al-Fekr; 1998. [Arabic]
- 4- Modarresi MT. The guidance commentary (Tafsir-e-Hedayat).. Aram A, Atabaki P, Shoar J, Ayati A, translators. 1st Edition. Mashhad: Astan Qods_Razavi Islamic Researches Foundation; 1998. [Persian]
- 5- Moghnieh MJ. The clear commentary (Tafsir al-mobin). 1st Edition. Tehran: Be'sat Foundation. 1990 [Arabic]
- 6- Abo Hayyan Mohammad ibn Yusof Andolosi. The surrounded sea in commentary (Al-Bahr al-mohit fi al-tafsir). Mohammad Jamil Sedghi, researcher. Beirut: Dar al-fekr; 1999. [Arabic]
- 7- Ali ibn Mohammad (Ibn Asir). Lions of forest in recognition of fellows (Osd al-ghabah fi marefat al-sahabah). Beirut: Dar al-Kotob; 1989. [Arabic]
- 8- Keldi A. People's attitudes towards disable persons. Q Soc Sci. 2001;7(11.12):175-201. [Persian]
- 9- Hosseini H. Safari F. Disability, poverty and social exclusion. Soc Welfare Q; 2008;8(30-31):265-84. [Persian]
- 10- Moqatel ibn Soleiman Balkhi. Moqatel ibn Soleiman commentary. Abdollah Mahmud Shahate, researcher. 1st Edition. Beirut: Dar ehya al-torath; 2002. [Arabic]
- 11- Tabatabaee MH. Tanslation of balance commentary (Tafsir al-mizan). Mousavi Hamedani MB, translator. 5th Edition. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Scientific College of Qom; 1995. [Arabic]

دسته از افراد خود را به دور از رحمت و لطف الهی دانسته و گمان کنند خداوند آنان را وانهاده است. رفع وجوب جهاد از کم‌توانان جسمی به معنی توجه خداوند و آسان‌گیری بر کم‌توانان است تا مشکلات جسمی آنان چندبرابر نشود. مکلف‌بودن کم‌توانان به حضور در اجتماع راهکاری است که خداوند برای بهزیستی اجتماعی کم‌توانان ارایه داده و از منزوی‌شدن کم‌توانان جسمی جلوگیری نموده است. سفارش خداوند به حمایت مالی از افراد کم‌توان نیز به معنی توجه خداوند به بهزیستی کم‌توانان در زمینه مادی است و در نهایت توصیه به رعایت احترام و کرامت‌بخشیدن به کم‌توانان راهکاری است برای بهزیستی روحی کم‌توانان که خداوند ضمن آیات قرآن بدان سفارش نموده است.

نتیجه‌گیری

توجه خداوند به موضوع بهزیستی کم‌توانان جسمی که از آیات قرآن قابل برداشت است، نشان از اهمیت بالای آن دارد. خواست خداوند چنین است که افرادی که به کم‌توانی جسمی دچار هستند، افزون بر کمبودی که از ناحیه جسم دارند، کمبود دیگری نداشته باشند و بتوانند به راحتی و در کنار سایر افراد زندگی کنند. کم‌توانان جسمی با آگاهی از راهکارهای ارایه‌شده در آیات قرآن و در پی آن ایمان‌داشتن و عمل کردن به آنها، می‌توانند به بهزیستی خود کمک نمایند و از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری کنند. در مسیر تحقق این مهم بی‌گمان اعضای خانواده کم‌توانان، افراد جامعه و مسئولان دولتی و حکومتی، باید با درک شرایط ویژه کم‌توانان و عمل به فرامین و دستورالعمل‌های قرآنی زمینه تحقق بهزیستی کم‌توانان را فراهم آورند.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تاییدیه اخلاقی: نیاز به تاییدیه اخلاقی وجود ندارد.

تعارض منافع: تعارض منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: ابوالفضل تیموری (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/روش‌شناس/پژوهشگر کمکی (۵۰٪)؛ رسول محمدجعفری